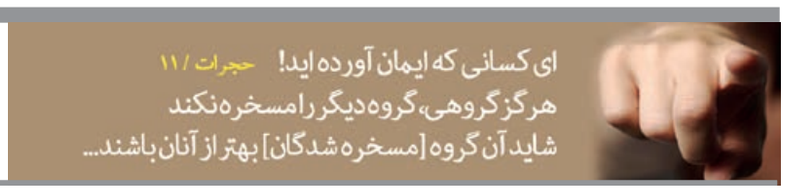

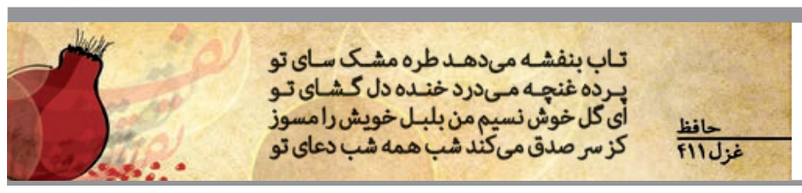

دنیا به روایت تصویر

رویترز- تلاش برای جلوگیری از سرایت آتش به مناطق مسکونی، کالیفرنیا

گتی ایمیج- جابه جایی مردم با کالسکه های سنتی در زیر بارش برف، نیویورک

تلگراف- پرش کروکودیل شش متری در کنار قایق گردشگران روی رودخانه آدلاید، استرالیا

در محضر بزرگان

تار و تور و تیر خدا

مرحوم حاج اسماعیل دولابی درباره جذب خدا شدن فرمودند:
«خدا یک تار، یک تور و یک تیر دارد. با تار، تیر و تور خودش، آدم ها را جذب و مجذوب خودش می کند. تار خدا، قرآن است. نغمه های آسمانی است. خیلی ها را از طریق قرآن جذب خودش می کند. خیلی ها را با تور خودش جذب می کند. مثل مراسم اعتکاف و مراسم ماه رمضان و شب قدر. تیر خدا همان بارهای مشکلات است. غالب آدم ها را از این طریق مجذوب خودش می کند. اولیاء خدا برای این مشکلات لحظه شماری می کردند. شیخ بهایی می گوید: «شد دلم آسوده چون تیرم زدی، ای سرت گردم چرا دیرم زدی.» از وقتی بلا و مصیبت به زندگی ام آمد فهمیدم من ارزش دارم. ولی گلایه دارم که چرا من را زودتر گرفتار نکردی.
آهنگرها یک گیره دارند و وقتی می خواهند روی یک تکه کار کنند آن را در گیره می گذارند. خدا هم همین طور است. اگر بخواهد روی کسی کار بکند او را در گیره مشکلات می گذارد و بعد روی او کار می کند. گرفتاری ها نشانه عشق خداوند است. شما اگر کسی را دوست نداشته باشی با او شُل دست می دهی و اگر او را دوست داشته باشی، دستش را فشار می دهی. این فشار علامت علاقه است. خدا هم اگر به کسی علاقه مند باشد او را تحت فشار قرار می دهد. بنابراین تمام انبیاء تحت فشار بوده اند.

باشگاه خبرنگاران

پند نیکان

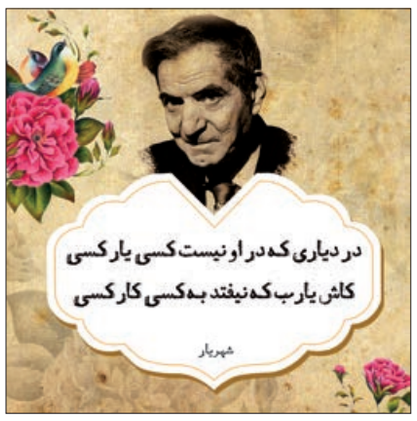

حکایت

دعوا به ضرر هر دو طرف است

آورده اند که وقتی شیر و خرس به شرکت یکدیگر بچه آهو را کشته، در باب گرفتنش بسیار جنگ کرده، چندان بی تاب شدند که از بهر نفس راست کردن، بر جای خود آرام گرفتند. مقارن این حال، روباهی محتال (حیله ساز) بدان طرف گذر کرد و هر دو مبارز را خیلی ضعیف و ناتوان یافته، غزاله را برداشت و راه فرار پیش گرفت. شیر و خرس را زهره انتقام نبود. با خود گفتند ما درباره این غنیمت بر مناصفه راضی نگشته و جنگ کردیم. آخر این روباه مکار، حصه (سهم) ما را به غارت برد.خلاصه آن که در خصومت و نزاع، جز زیان طرفین حاصلی دیگر نمی باشد.

برگرفته از «حکایات دلپسند» اثر محمدمهدی واصف

کاریکلماتور

* داروساز هم باید پول هایش را «قرص» بگیرد.
* دانشجو برای این که نیفتد باید دست به عصا باشد.
* آرایشگر هم برای «دست به سر کردن» پول می گیرد.
* زنبور با گذاشتن عسل در کندو «شیرین» کاشت.
* آن قدر آبرو برد تا پر «رو» شد!

رضا وارسته

بریده کتاب

فقط به هدف فکر نکن

عده‌ای از مردم هرگز زندگی نمی‌کنند و زندگی را یک مسابقه دو می‌دانند. آن‌ها می‌خواهند هرچه زودتر به هدفی در افق دوردست برسند و متوجه نمی‌شوند که آن‌قدر خسته شده‌اند که شاید نتوانند به مقصد برسند و اگر هم برسند یکهو خودشان را در پایان خط می‌بینند. درحالی که نه به مسیر توجه داشته‌اند و نه لذتی از آن برده‌اند.

برگرفته از «بابا لنگ دراز» اثر جین وبستر، ترجمه محسن سلیمانی

فتو نکته

اندکی صبر

نفس در هوای او

پاییز بود
از در که آمدی
حالا خانه ام باغچه ای است
با فصل‌های سر در گُم
در روزهایی که سرفه بیداد می کند
و من هنوز نفس می کشم
در هوای مادربزرگ

هادی منوری

دور دنیا

پسری که فقط هلو می خورد!

آدیتی سنترال- پسر دو ساله اهل مونترال کانادا دچار نوعی بیماری حاد است که سبب می شود به مواد غذایی زیادی حساسیت داشته باشد. اما مورد او خیلی عجیب است چون به تمام مواد غذایی دنیا حساسیت دارد و میوه هلو تنها ماده ای است که بدنش به آن واکنش نشان نمی دهد. بنابراین این پسر فقط از هلو تغذیه می کند و به همین دلیل دچار کمبود کلسیم و مواد مقوی دیگر است. پدر و مادرش به دنبال موسسات خیریه هستند تا شاید بتوانند هزینه درمان حساسیت عجیب پسرشان را تامین کنند.

دیدار با والدین بعد از ۲۰ سال

آدیتی سنترال- زن و شوهر فقیر چینی که ۲۱ سال پیش دختر یک ساله شان را در بازار سبزیجات چین به زوج جهانگرد آمریکایی داده بودند، بالاخره بعد از ۲۰ سال با فرزندشان ملاقات کردند. در تمام این سال ها زوج آمریکایی از این دختر مانند فرزندشان مراقبت کردند اما به دلیل این که دخترشان با تمام وجود می خواست پدر و مادر واقعی اش را ببیند، به سختی آن ها را پیدا کردند و دیدار دختر و پدر و مادر بعد از ۲۰ سال به وقوع پیوست.

زشت ترین مرد جهان به خودش افتخار می کند!

آدیتی سنترال- خیلی ها هرگز نمی توانند با عیب های صورتشان کنار بیایند و دست به عمل جراحی می زنند، اما «ویلیام ماسیونو» مرد میان‌سال اهل کشور زیمبابوه که تا کنون چهار بار عنوان زشت ترین مرد دنیا را کسب کرده است، نه تنها از زشتی صورتش ناراضی نیست بلکه افتخار می کند که صاحب چنین عنوانی شده است. او هر سال در جشنواره انتخاب زشت ترین ها که در آفریقای جنوبی برگزار می شود شرکت می کند و تنها آرزویش برنده شدن در این مسابقات است!

چند سال بعد در چنین روزی

دفترچه‌ای برای چسب زخم

پس از خروج اقلام دارویی و مراکز درمانی مختلف از قرار گرفتن تحت پوشش دفترچه‌های بیمه درمانی، تنها چیزی که هنوز بیمه آن را تقبل می‌کند چسب زخم است. وزیر بهداشت در حالی که این خبر را اعلام می‌کرد، گفت: «مردم اصلا نیازی نیست نگران باشند، چون ما هنوز برنامه‌ای برای خروج چسب زخم از اقلام تحت پوشش بیمه نداریم و مردم به راحتی می‌توانند از این تسهیلات درمانی استفاده کنند». به همین منظور از همه هموطنان عزیز تقاضا می‌کنیم در نشان دادن دفترچه بیمه‌شان به بعضی پزشکان و متصدیان داروخانه احتیاط کنند، چون دیده شده بعضی از این عزیزان با دیدن این دفترچه چنان از این شوخی عجیب خنده‌شان گرفته که در بعضی موارد آپاندیس‌شان هم ترکیده است. **الکی**

شعر طنز

بدم می آید!

از قصه شنگول بدم می آید
من، قسط، اجاره، وام، بیماری، شغل
من عاشق چای های مادر هستم
مردی که نشسته دور میدان می گفت:
در پست جدید همسر خود خواندم:
از آدم گاگول بدم می آید
از این همه ویر گول بدم می آید
از مزه «ردبول» بدم می آید
«از ماله و شاغول بدم می آید»
«از شاعر بی پول بدم می آید»

امیرحسین خوش حال

سه نقطه

دی روزنامه

توی دروازه منقلب نشو!

با این که می گویند ورزش یکی از راه های کم کردن اضطراب و ایجاد سرخوشی است، ولی بعضی وقت ها همین ورزش باعث می شود آدم حالش دگرگون شود و حتی از زندگی بیزار شود. مثلا یکی از دیدن نتایج بازی ها و رتبه تیم اش در جدول حالش بد می شود، یکی از پنالتی زدن های چیپ بازیکن تیم اش غش و ضعف می کند، یکی هم از رفتن به ورزشگاه های داخلی «منقلب» می شود و با حضور در ورزشگاه های خارجی حالت منقلب اش از بین می رود! با نزدیک شدن به جام جهانی، دلهره بازی تیم ملی در گروه مرگ از یک طرف و استرس گزارش این بازی ها هم از یک طرف دیگر دمار از روزگارمان در می آورد که ممکن است از این دلهره گزارشگری پیر شویم. زمان قدیم این دنگ و فنگ ها را نداشتیم. یا استاد شفیع بود که فقط «اسطقس» تیم ها برایش مهم بود. یا استاد کوتی بود که بیشتر بازی با تیم های عربی را تقریبا زبان اصلی گزارش می کرد. یا جناب سرهنگ علیفر بود که خب هنوز هم هست! چند استاد دیگر هم بودند که یادمان نمی آید.
بعضی ها معتقدند در بین گزارشگرانی که قرار است بازی های جام جهانی را گزارش کنند به جز عادل و مزدک، هر گزارشگر دیگری که باشد باید صدای تلویزیون را قطع کرد و بازی را دید تا منقلب نشویم. البته برای این که یادی از دهه شصت بکنیم بد نیست گزارش های سیانکی را هم گوش بدهیم و اگر بخواهیم با متون کهن آشنا شویم، می توانیم گزارش های پیمان یوسفی را بشنویم. اگر هم بخواهیم سوژه برای شبکه های اجتماعی داشته باشیم هم می توانیم بازی های با گزارش جواد خیابانی را ببینیم. ولی... ولی چه کنیم با بازی هایی که قرار است جناب علیفر گزارش کند!
هرچند ایشان در مصاحبه با ایسنا نکاتی را گفته است که با وجهه دیگری از شخصیت و شغل ایشان آشنا می شویم و دیگر هنگام گل زدن در بازی های با گزارش ایشان، دلمان نمی آید تلویزیون را از پنجره به بیرون پرت کنیم. مثلا: «من آدم خاصی هستم... از در خانه که بیرون می‌آیم واقعا از دست محبت مردم گریزانم... من از طریقه گزارش خاصی استفاده می‌کنم که جذاب است و حالت سینمایی دارد... با این سن و سال و گرفتاری و با این وضعیت مالی ضعیف، گزارشگری می‌کنم، برای مبلغی که کمدی است... شک نکنید «توی دروازه» معروف‌ترین و محبوب‌ترین واژه‌ای است که در بین گزارشگران تاریخ ایران می گویم.»

علیرضا کاردار

تا حالا دقت کردین

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* من مشاور مدرسه هستم و از پرونده های صفحه یک بسیار استفاده می کنم. پرونده بدون گوشی ام هرگز یا نوموفوبیا عاااالی بود.

ونوس سلطانیان

* تو که یک کیلو تمشک رو کیلویی ۴۸۰ هزار تومان می خری و در کمتر از ۱۰ دقیقه می خوری، یک لطفی به ما بکن تا ما هم یک کیلو گوشت کیلویی ۴۰ هزار تومان را با چهار نفر در یک ماه بخوریم.
* عکس آزمون هوش اصلا مربوط به خودش نبود.

امیرحسین صادقی

* درباره ستون ازاون لحاظ، کسانی که شغلی دارند باید خدا را شکر کنند که به سر کار می روند. چه شنبه باشد چه غیر شنبه
* آق کمال؛ آخر پاییز است، جوجه‌هات رو شمردی؟!

آق کمال: آخ آخ... دیر گفتِن! جاتان خالی با خانواده به سیخ کشیدمشان!

* از همسر فداکار و زحمتکشم که در تمام مراحل زندگی مثل کوه پشت من ایستاده تشکر و قدردانی می کنم. دوستت دارم.

حسین

* نوه های گلمان، هستی و مهدی یار، بازگشت تان از سفر زیارتی کربلا رو گرامی می داریم، زیارت تان قبول باشد.

مامان طاهره و آقاجون

انتقام آسونی ها گرفته شد!

سلام. چند پیامک داریم باجواب. فعلا!
* ۰۹۱۵۵...۴۷۴: قبول کنید خفن ۲۰۵ با بقیه فرق داشت. فکر نمی کنم جواب درستی دریافت کرده باشید!
- بله برای این شماره جواب های کمتری داشتیم. حدود ۱۴۰ تا فقط؟!
* ۰۹۱۵۵...۲۱۳: جریان شما مثل (قافیه تنگ آید شاعر به جفنگ آید) شده. مگه قطعه فلز را میشه له کرد؟! «پاروزن» هم درست نبود.
- نظر شما هم مثل نظر بقیه مهمه برامون
* ۰۹۱۵۳...۱۵۹: این که جمعه جواب رو میفرستم معنیش اینه که تا امروز درگیرش بودم! دم طراحش گرم!
- دم شما مخاطب پیگیر و حرفه‌ای گرم!
* ۰۹۱۵۳...۹۴۲: سریش/پاروزن/ پیله کردن. پدر درآورد این بار! انتقام همه آسونی ها گرفته شد.
- تا شما باشین تحریک مون نکنین!
* ۰۹۱۵۱...۶۹۵: ترشی نخورین یه چی میشین! ۳ دقیقه وقتم رو گرفتین!
- این رجزها تبعاتی داره ها. گفته باشم!

مسابقه شماره ۲۰۶

1sargarmi.ir

اسپرت خفن

می تونین زیر هر تصویر، یه کلمه معنادار با چاشنی شوخ طبعی بنویسین؟ خب ما این کارو کردیم براتون! فقط هر حرف الفبارو به یه علامت رمز تبدیل کردیم. تا ساعت ۲۳ به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ سه کلمه رو پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای شما که پاسخ صحیح سه مسابقه پیاپی رو دادین! پاسخ توی ستون «ما و شما»ی بعدی و اطلاعات بیشتر هم توی وب سایت 1sargarmi.ir هست.

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی